



اعوذبالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و على آله الطيبين الطاهرين

سلام عرض میکنم خدمت شما عزیزان و بینندگان گرامی

اذهبوا الى فرعون انه طغى فقولوا له قولاً لينا لعله يتذكر أو يخشى» آیاتی رو که تا امروز با هم بررسی کردیم نسبت به قوم یهود و حوادث گذشته قوم یهود بود تا بدین جا که حضرت موسی به خاطر یک اتفاق از شهر خودشون مصر خارج شدن و پناه آوردن به یک وادی دیگری که در این وادی با پیامبری از پیامبران خدا به نام حضرت شعیب آشنا شدن. ده سال در کنار حضرت شعیب باقی ماندند اون جا همسری رو انتخاب کردن صاحب فرزند شدن تا اینکه بعد از گذشت ده سال از حضرت شعیب اجازه گرفتن که بازگردند برای دیداری با پدر مادر برادر و خانواده خودشون در مصر. البته قصدشون این بود که این دیدار مخفیانه باشه. در مسیر بازگشت اتفاقی افتاد که در واقع رسالت حضرت موسی با این عده اتفاق بود تا جایی که خداوند متعال در قرآن کریم به این اتفاق و آغاز رسالت حضرت موسی اشاره می فرماید در مسیر بازگشت وقتی از موسی با خانواده خودشون داشتند برمی گشتند راه رو گم کردن. وقتی راه رو گم کردن در بین راه، نوری را بر قسمتی از کوه دیدن به خانواده خودشون فرمودند که این جا باقی بمونید تا من برم بینم این نور اگر آتشی هست اگر کسی هست آتشی بگیرم تا گرم بشیم چون هم هوا بارانی و هم سرد بود. در سوره مبارکه طه آیات ده تا چهاردهم خدا به این نشانه هایی که حضرت موسی به سمت اون نور و

نشانه حرکت کرد اشاره می فرماید **فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَّ يَا مُوسَىٰ اِنِّي اَنَا رَبُّكَ** «وقتی رسید به این وادی مقدس خدا به او وحی فرمود که موسی من پروردگار تو هستم **فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ** کفش های خودت رو در بیار **اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى** تو به یک سرزمین مقدسی رسیدی به نام طوری. **وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ** ما تو رو انتخاب کردیم ما تو رو برگزیدیم پس آنچه رو که می شنوی گوش کن و دقت کن **اِنِّي اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاَعْبُدْنِي وَاَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي** دستورات یک به یک به حضرت موسی داده شد حضرت موسی انتخاب شد برای نبوت یک مسئولیت دیگری هم به عهده او سپرده می شه اون هم مبارزه با ظلم و طغیان فرعون **«اذهب الی فرعون»** در آیه بیست و چهارم می فرماید خدا فرمود برو به سمت فرعون حالا حضرت موسی که ده سال پیش از قوم خودش و از فرعون که به نوعی پدرخوانده خودش بوده فاصله گرفته که مبادا او را بکشن. چون او خودش رو به نوعی خطا کار می دید در این جهت که کسی از قبطیان رو در مقابل با بنی اسرائیل کشته در واقع کار حضرت موسی خطا نبود حضرت موسی دفاع از مظلوم در مقابل ظالم را انجام داد اگرچه در آن زمان هنوز مبعوث به رسالت نشده بود اما روحیه مبارزه با ظلم در وجود حضرت موسی بود دقیقاً چیزی که ما در وجود پیامبر عظیم الشان اسلام هم می بینیم. ما در دورانی که دوران جاهلیت هست و قبل از بعثت پیغمبر یه عهدنامه ای رو می بینیم یک پیمانی رو می بینیم که این پیمان برای مبارزه با ظلم در مکه توسط پیامبر ما انجام شد اونم وقتی بود که یه کسی آمد با دخترش در مکه برای فروش اموال یه کسی از همین مشرکان دختر او رو گرفت با چشم کنیزی و اموالش رو غارت کرد او به خانه کعبه پناه برد صدا زد که کسی هست من رو کمک بکنه پیامبر و عده ای از بزرگان حنیف از حنفاء کسانی که خداپرست بودند آمدند برای کمک کردن به این مظلوم

یک پیمانی رو با هم بستن که در این پیمان از مظلوم دفاع کنیم کنند و در مقابل ظلم بایستند اگرچه پیغمبر ما در اون زمان مبعوث به رسالت نشده بودند اما این پیمان نشان دهنده روحیه بالای مبارزه با ظلمه مثل حضرت موسی. حالا این جا حضرت موسی می خواد برگرده مقابل کسانی که شاید او رو خطاکار هم گنهکار و قاتل هم خطاب بکنن یه مقداری حضرت موسی از این موضوع نگرانی داشت. خداوند متعال برای دلگرمی حضرت موسی نشانه هایی از نبوت را به او می ده اول سوال کرد وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى این چیزی که دستت هست چیه؟ قال هی عصای» خدایا این عصای منه **أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا** من به او تکیه می کنم ازش کمک می گیرم **وَأَهْشُ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي** گوسفندانم رو باهاش جابجا می کنم **وَلِي فِيهَا مَأْرَبٌ أُخْرَىٰ** فواید دیگه ای هم برای من داره شروع کرد سخن گفتن با خداوند متعال. خداوند متعال فرمود که این عصا رو رو زمین بینداز عصا یک مار عظیم الجثه ای شد در واقع اولین نشانه بعثت حضرت موسی این معجزه الهی است. **قال القها یا موسی»** این عصا رو زمین بینداز **فالقها فاذا هی حیه تسعی»** یک مار عظیم الجثه ای شد که این طرف اون طرف می رفت **قال خذها ولا تخف سنعيدھا سيرتها الأولى** این مار را بگیر دوباره ما مثل قبلی با حالت چوب قرار می دیم **واضمم يدك إلى جناحك** دستت رو از زیر بازوی خودت خارج بکن وقتی این اتفاق افتاد یک نور عجیبی که چشم ها را آزار هم نمی داد دست موسی نورانی شد **تخرج بيضاء من غير سوء آية أخرى** اینم یک نشانه دیگه است **لنريك من آياتنا الكبرى** این ها همه و همه برای این هستش که ما آیت های بزرگ را به تو نشان بدهیم. حضرت موسی با این دو نشانه و البته درخواست برای کمک خودش از جانب برادرش حضرت هارون این درخواست را از خداوند داشت تا اون آیه شریفه که ابتدای بس خدمتتون قرائت کردم خداوند به او و حضرت

هارون ماموریت داد **اذهبا الی فرعون**. برید سراغ فرعون او را نصیحت بکنید او را به یکتاپرستی دعوت بکنید او طغیان کرده البته با او نرم سخن بگید دلسوزانه سخن بگویند چیزی که در سیره هدایتگران دینی دیده میشه همینه آنچه که پیغمبر ما هم در آیات قرآن به او وصف شده همینه **لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ** دقیقا مبلغان زبان نرم و با یک دلسوزی خاصی حتی دشمنی مثل فرعون رو برای یکتاپرستی به حق دعوت می کنند پس دعوت اولیه با لطافت با کلام و قول لین، نرو با دلسوزی است و این سیره رو در سیره هدایت پیامبران الهی مثل این آیاتی که از وجود نازنین خاتم الانبیا و همچنین حضرت موسی قرائت کردیم با هم دیدیم این دستور مبارزه با ظلم و طغیان فرعون توسط خداوند متعال به حضرت موسی داده شد والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته